

بررسی اهمیت مهارت های نویسندگی برای دانش آموزان

قاسم قاسمی فرد^۱، احمد قاسمی فرد^۲، سارا ابراهیمی خارکشی^۳، فاطمه بابائی^۴

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری - دبیر آموزش و پرورش نکا

^۲ کارشناس آموزش ابتدایی - دانشگاه فرهنگیان ساری - دبیر آموزش و پرورش نکا

^۳ کارشناس امور تربیتی - دانشگاه فرهنگیان ساری - دبیر آموزش و پرورش نکا

^۴ کارشناس آموزش ابتدایی - دانشگاه فرهنگیان قائم شهر - دبیر آموزش و پرورش نکا

چکیده

بدون شک، نوشتن یکی از مهارت‌هایی است که در زندگی به آن نیاز پیدا می‌کنید. مثل نوشتن یک نامه، رزومه، پست وبلاگ، کارت، کتاب، ایمیل، پیغام، گزارشات فروش و یا هر چیزی که به ارتباط افکار و ایده‌ها نیاز دارد. نوشتن و خواندن دو مهارت مهم اکتسابی در زندگی هستند. یک نویسنده‌ی خوب می‌تواند تقریباً هر کاری را انجام دهد. هدف محققان در این مقاله "بررسی مهارت های نویسندگی برای دانش آموزان" می باشد. عواملی از قبیل: نوشتن زیاد، خواندن متون شاهکارهای ادبی، مهارت در خلاصه نویسی از اصول مهم نویسندگی به شمار می روند.

واژه‌های کلیدی: مهارت، نویسندگی، دانش آموزان.

مقدمه

نویسندگی، ترکیبی از آموزش و تجربه است و تجربه‌ی علمی سهم مهمی در آن دارد. برای دست یافتن به اینکه «چه باید نوشت؟»، شناخت زمان و نیازها و اولویت‌ها مؤثر است. حضور در جامعه به این شناخت کمک می‌کند. برای «چگونه نوشتن» نیز لازم است در سه محور کار جدی صورت گیرد: ۱. آموزش؛ ۲. تجربه و تمرین؛ ۳. مطالعه‌ی آثار خوب.

نکته آموزشی از شیوه‌ی نویسندگان بزرگ و توجه به رموز جاذبه‌های آثار جذاب، بر توان قلمی ما نیز می‌افزاید. ساده نویسی نیز گامی است که برای نزدیک تر شدن به مخاطبین باید مورد توجه قرار گیرد. مطالعه‌ی کتاب‌های قصه به این موضوع کمک می‌کند. نوشته‌های تخصصی و عمومی هر کدام مخاطبینی دارد و در نوشته‌های عمومی باید به روان نویسی توجه داشت. مهم، کیفیت جذاب عرضه‌ی معارف دینی برای نسل امروز است که تقویت قلم به این هدف کمک می‌کند. گفتنی است که در این مقاله، بیشتر به کلیات روش نویسندگی پرداخته ایم و جزئیات بیشتر و تمرین‌ها و مثال‌های کاربردی تر را به پژوهش‌های بعدی می‌سپاریم.

در پاسخ به این سؤال که «چگونه می‌توان نویسنده شد؟» ابتدا باید به ماهیت کار و ابعاد نویسندگی توجه کرد. می‌توان نویسندگی را ترکیبی از «آموزش» و «تجربه» دانست؛ بنابراین صرف آموزش و گذراندن دوره و دیدن کلاس و خواندن متون «فن نگارش» کافی نیست. از سوی دیگر نیز تنها تکیه بر نوشتن، بدون شناخت قواعد و رموز و آداب نگارش، راه به جایی نمی‌برد و انسان را نویسنده نمی‌سازد.

اگر ۲۰ درصد نویسندگی به آموزش فنون و یادگیری مهارت‌های قلمی باشد، ۸۰ درصد آن به تمرین، ممارست و کارورزی و در یک کلمه «تجربه‌ی علمی» است. دلیل اینکه بسیاری از افرادی که در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند «نویسنده» نمی‌شوند، آن است که در مرحله‌ی عمل و تمرین و کار مستمر، جدیت نمی‌کنند و تئوری‌ها و قواعد آموخته را در عمل مستمر به کار نمی‌بندند.

البته ذوق و استعداد ذاتی فرد نیز سهم عمده‌ای دارد، لیکن آنچه همان استعداد را به مرحله‌ی فعلیت و ظهور می‌رساند، همان تمرین هاست. ناگفته نماند که نویسندگی مقوله‌ای مشکک است. به فردی که نامه‌ای می‌نویسد و به کسی که شیواترین آثار ماندگار را پدید می‌آورد نویسنده می‌گویند؛ اما این کجا و آن کجا؟

پس باید با «آموختن فن» و «تمرین عملی»، استعدادها را به فعلیت رساند و آثار اثرگذار و متین و درست پدید آورد. این جاست که شناخت عرصه‌های شکلی و محتوایی و قابلیت‌های واژه‌ها و تعابیر و قالب‌های کلامی اثرگذار، اولویت پیدا می‌کند و در کار نویسندگی، سرکشیدن به آن قلمروهای مغفول را لازم و مفید می‌سازد. (حسن پور، ۱۳۹۳)

سؤال دیگری که برای علاقه‌مندان به نگارش، آن هم پس از آشنایی با رموز قلم و تجربه‌اندوزی و راه افتادن در این مسیر، پیش می‌آید، آن است که «چه بنویسیم؟»، یعنی یافتن سوژه و موضوع.

در یک مرحله «یافتن موضوع» مهم است، در مرحله‌ی دیگر توجه به «اولویت‌های نگارشی». آنچه به انسان در این زمینه مدد می‌رساند، شناخت او از جهان پیرامون خود، کمبودهای موجود و نیازهای جامعه است. هر چه این معرفت، دقیق تر و گسترده تر باشد، نویسنده بهتر می‌تواند تشخیص دهد که چه باید بنویسد و کدام موضوع را در اولویت قرار دهد. بسیاری از کسانی که وقت بسیاری صرف نوشتن موضوعی می‌کنند که مخاطب چندانی ندارد، یا کمبودی را پر نمی‌کنند، یا مسائل، دست‌چندم و غیر ضروری یا غیر سودمند است.

«زمان شناسی»، «نیازشناسی»، «مخاطب شناسی»، «موضوع شناسی»، «به روز بودن اطلاعات» و... سبب می‌شود در انتخاب اینکه «چه باید نوشت؟» به بیراهه نرویم. حضور در متن جامعه و انس و تماس با قشرهای مختلف، به ویژه آنان که اهل مطالعه و کتاب خوانی اند، هم صحبت شدن با جوانان، قرار گرفتن در جریان پرسش‌های ذهنی نسل امروز، سرزدن به محتوای

نشریات، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تولیدات ناشران، این شناخت را تقویت می‌کند. (کتاب روش - زمستان ۱۳۸۴، پیش شماره ۴ - روش نویسندگی)

چگونه بنویسیم؟

به موضوع آموزش و تجربه اشاره شد. مطالعه را نیز بر آن می‌افزاییم. نتیجه آنکه برای مهارت یافتن در مقوله‌ی قلم، تلاش در سه عرصه، بایسته و سودمند است:

۱- آموزش:

باید پذیرفت که نویسندگی یک «فن» و «هنر» است و به همین سبب، به شکل آموزشی یا تجربی باید آن را آموخت. همان طور که شنا، خیاطی، گل‌سازی، آشپزی، بازیگری فیلم و تئاتر، نقاشی و خوشنویسی «هنر» است و نیاز به آموزش دارد؛ نویسندگی هم هنری است که نیازمند تعلیم و تعلم است. به همین دلیل از دیرباز، کتاب‌هایی درباره‌ی «فن نگارش» نوشته شده که برخی از آنها متن آموزشی شده‌اند. مهارت یافتن در عرصه‌ی قلم، به وقت گذاشتن و حوصله داشتن برای آموختن نیاز دارد و تا بخشی از عمر خود را صرف نکنیم، مهارت و فنی نمی‌آموزیم. اگر مجال، فرصت یا شرایط مناسب برای ما فراهم نیست که در دوره‌های آموزشی شرکت کنیم، می‌توان چند نفر هم‌فکر و همراه و هم‌ذوق یافت و متنی از این همه کتاب‌ها را برگزید و فصل به فصل با آن پیش رفت، مباحثه کرد، تمرین‌هایش را انجام داد و به رهنمودهایش عمل کرد. این، ساده‌ترین و عملی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه‌ی پرداختن به مقوله‌ی آموزش است. البته که کافی و وافی نیست. ولی بهتر از هیچ است.

۲- تجربه و تمرین:

گذراندن مرحله‌ی تمرین و طرح کاد و کار کارگاهی، آموخته‌ها را در ذهن راسخ‌تر می‌سازد و استعدادهای نهفته را به کار می‌اندازد. تکرار و ممارست، در اینجا هم مانند عرصه‌های دیگر، عامل رشد و پیشرفت است؛ مثل وزنه برداری و ورزش، مثل معلمی و مربی‌گری و رانندگی. این که «کار نیکو کردن از پر کردن است»، یک حقیقت است. برای نویسنده شدن هم باید بسیار نوشت، به حدی که اصل نوشتن برای فرد آسان شود و خوب نوشتن «ملکه»ی او گردد.

متأسفانه بسیاری از کارآموزان در این زمینه، بی‌حوصلگی و کم‌صبری از خود نشان می‌دهند و حال و حوصله‌ی تمرین ندارند، مانند دانش‌آموزانی که پیوسته از انجام دادن تکالیف درسی شانه خالی می‌کنند، نتیجه‌ی آن، رکود علمی و ناکامی در تحصیل است. رشد قلمی حالت تدریجی دارد. به مرور زمان، پختگی و قوت برای یک نویسنده به دست می‌آید و پیوسته باید آزمون و خطا کرد، مقاله نوشت، تمرین کرد، نقد شنید، نقاط ضعف را شناخت و با رفع آنها به بالندگی رسید.

در این تمرین و تجربه، مسأله‌ی «حک و اصلاح» نقش مهمی دارد. بعضی‌ها به زحمت حاضرند در نوشته‌ی خود دست ببرند و آن را اصلاح، عوض یا حذف کنند. روشن است که چنین برخوردی مانع رشد می‌شود. در تمرین باید بنا را بر این گذاشت که هر نوشته نسبت به اثر قبلی، کامل‌تر، کم‌خطاتر و بی‌عیب‌تر شود. آنچه این نکته را روشن می‌کند، «نقد» دیگران است و نباید از نقد هراسید.

در مرحله‌ی تمرین، مشکل بعضی سوژه‌یابی است و اینکه تمرین قلمی را درباره‌ی چه موضوعی انجام دهند؟ مهم آن است که موضوعی را در نظر بگیرید و مکنونات قلبی و ذهنیات و اطلاعات و توضیحات خود را درباره‌ی آن روی کاغذ آورید. این ساده‌ترین صورت تمرین قلمی است. با این نگاه، می‌بینید که اطراف شما پر از سوژه است. وضع خانه، رفتار فلان شخص، فلان برنامه‌ی رادیو و تلویزیون، وضعیت جلسه‌ی درس، آنچه در تاکسی و اتوبوس و نانوایی و خیابان می‌گذرد و اتفاق می‌افتد، جو محیط‌های ورزشی، بیمارستان‌ها، باغچه‌ی خانه، گریه‌های فرزند، کنکور و امتحان، شهریه و تعطیلات، مباحثه و

دوستان، قطع برق و گرمی و سردی هوا، مهمانی و جشن عروسی یا مجلس ترحیم و عزا، ملاقات هایی که دارید، حرف هایی که می شنوید، وضعیت اتاق محل کارتان، کسانی که به آنان علاقه مندید، کتاب هایی که خوانده اید و... صدها مسأله در اطراف شما وجود دارد که می توانید آنها را موضوع نوشتن خود قرار دهید، توصیف، تشریح و نقد کنید و این بهانه ای باشد برای تمرین به روی کاغذ آوردن آنچه در فکر و دل شماست. طبعاً ابزار کار شما «کلمه» و «کلام» است و قوت شما در به کارگیری صحیح و شیوا و زیبای قلم آشکار می شود. پس بنویسید و بنویسید و بنویسید بی آنکه به فکر چاپ شدن آن باشید تا آنکه به حدی از قوت قلمی برسید که از شما درخواست نوشتن کنند و آثارتان جای خود را در میان خوانندگان باز نماید. (حسن پور، ۱۳۹۳)

بی شک اگر از هر نویسنده ی موفق ی بپرسید که چگونه به آن توفیق دست یافته، یکی از رموز آن را پرکاری در تمرین و ممارست های فراوان خواهد شمرد. پس از این تجربه هم بهره بگیریم.

۳- مطالعه ی آثار خوب:

همان طور که شنیدن مداحی های خوب و دیدن نقاشی های زیبا و تماشای فیلم های قوی و بازدید از آثار برجسته ی معماری، برای آموزندگان مداحی و نقاشی و فیلم سازی و معماری مؤثر و مفید است، برای «اهل قلم» نیز خواندن آثار قوی، رمان های مشهور و برجسته، کتاب های معیار و آشنایی با آثار قلمی نویسندگان موفق، الزامی است. این را باید یکی از کارهای اصلی قرار داد. البته باید به محتواهای مسموم و ناسالم برخی نوشته ها توجه داشت و مسموم نشد، اما در این مرحله، توجه به تکنیک کار و شیوه های جاذبه آفرین و نکات و نقاط قوت آثار، مهم است. مگر می توان نویسنده ای قوی شد و نوشته های بزرگان قلم و ادب را نخواند و از آنها خبر نداشت؟

خواندن کتاب های خوب و قوی و زیبا، گاهی به انسان ایده می دهد، یا شخص را بر سر شوق می آورد و ذوق او را تحریک می کند، گاهی هم به صورت ناخودآگاه، تأثیرات دراز مدت خود را بر خواننده می گذارد و حتی کسانی را که در این وادی هم نیستند، به سمت و سوی نویسنده شدن می کشاند. پس برای اینکه حس و شور نویسندگی در ما ایجاد شود، باید از مطالعه ی نوشته های شیوا و جذاب بهره بگیریم و از اختصاص اوقاتی برای این کار، به خصوص در دوران فراغت و تعطیلی درس ها، غفلت نوزیم.

ساده نویسی و روان نویسی

هر چند شیوا نویسی و تکیه بر ظرافت های قلمی و آفرینش های ادبی، بر جاذبه ی قلم می افزاید و آن گونه نوشته ها، خوانندگان خاص خود را دارند، اما یکی از «عقبه»هایی که باید از آن گذشت، «دشوارنویسی» است. باید بپذیریم که «روان نویسی» یک هنر است، همان گونه که آسان و روان حرف زدن یک مهارت به شمار می رود. اگر ثقل و سنگینی قلم، سبب گریختن و فاصله گرفتن خوانندگان از تألیفات و مقالات شود، خسارت است، خسارتی که به از دست دادن مخاطبین منجر می شود.

برای ساده نویسی هم تمرین لازم است. خواندن کتاب های قصّه یا توجه به ادبیات کودکان و نوجوانان به این مسأله کمک می کند. انس بیشتر با مردم و همزبانی با عموم نیز، باعث دست یافتن به قلم و بیانی روان می شود. می توان متون کهن را به صورت ساده و روان بازنویسی کرد تا تمرینی برای این کار باشد.

نوشته های تخصصی و عمومی

نوشته هایی که برای فرهیختگان جامعه و اهل تحقیق نوشته می شود و «تخصصی» نام دارد، باید کاملاً روی اصول و موازین علمی باشد و از اتقان لازم در محتوا، تعبیر، ارجاعات و استدلال ها برخوردار باشد؛ اما آنچه برای عموم نوشته می شود، مثلاً

کتاب «سیاحت غرب» آقا نجفی قوچانی، باید زبان رایج روز را داشته باشد که قابل ارتباط و تفاهم با معاصرین است. اگر به آثار عمومی دانشمندانی همچون علامه ی مجلسی، مرحوم نراقی، محدث قمی و... از زاویه ی تناسب با شرایط عصر بنگریم، خواهیم دید که کتب آنان به تناسب زمان، از روان ترین، پخته ترین و شیواترین نثرهای رایج روزگار خود بوده اند. مقالاتی که در نشریات و مجلات عمومی در این روزگار نوشته می شود، با مقالات نشریات علمی باید متفاوت باشد. سبکی که در صدا و سیما (که یک رسانه ی همگانی است) در نوشته ها و گفتارها مورد استفاده قرار می گیرد، باید هر چه راحت تر با عموم مخاطبین رابطه برقرار می کند.

اگر نسل امروز، نوشته های روان را می پسندند و می پذیرند، عرضه ی معارف دینی برای عموم باید متناسب با این خواست و اقبال عامه باشد. اینکه در حدیث حضرت رضا (ع) می خوانیم «فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا»، امروز چگونه قابل تحقق است؟

چه شیوه ای باید به کار گرفت که معارف اهل بیت، به زبانی همه فهم و در سطحی گسترده و شیوه ای جذاب و اثر گذار، در میان قشرهای وسیع راه یابد؟ روان نویسی یکی از شیوه های آن است، بهره گیری از آرایه های ادبی و نگارش «نثر ادبی» و استفاده از قالب های هنری که تأثیری ماندگارتر و گسترده تر دارد، شیوه ی دیگری است.

همان گونه که «ویتترین آرایه» در عرضه ی کالاهای مختلف و فروش اجناس، برای یک فروشنده نقشی تعیین کننده دارد، کیفیت کننده دارد، کیفیت آرایه و عرضه ی معارف فکری اسلام نیز، نیازمند ویتترین آرایه است، یعنی بهره گیری از قالب های نو و مؤثر. دریغ است که ذخایر و نفایس دینی در گنجینه های کتب تاریخ و حدیث و تفسیر بماند و به علت به روز نبودن و عدم عرضه ی شیوا، مهجور و متروک بماند.

کتاب «فیلسوف نماها» از آیه الله مکارم، «مناظره ی دکتر و پیر» از شهید هاشمی نژاد، «داستان راستان» از شهید مطهری، از نمونه های موفقی به شمار می رود که با بهره گیری از قلم شیوا و روان و امروزی، معارفی از دین به نسل کتاب خوان امروز عرضه می کنند. (حسن پور، ۱۳۹۳)

معرفی چند کتاب در زمینه مهارت های نویسندگی

در زمینه ی کتاب هایی که مطالعه ی آنها چه از نظر آشنایی با قواعد نگارش، چه از نظر متنی شیوا و جذاب و قابل توجه است، به چند اثر به عنوان نمونه اشاره می شود:

۱- برسمند سخن، نادر وزین پور.

۲- راهنمای نگارش و ویرایش، محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح.

۳- روش نویسندگان بزرگ معاصر، حسین رزمجو.

۴- شیوه ی نویسندگی و نگارش، احمد احمدی بیرجندی.

۵- بر بال قلم، سید ابوالقاسم حسینی.

هنر دیدن در نویسندگی

نوشتن کار بیهوده ای است اگر در ابتدای امر هنر دیدن جهان، به منزله یک داستان بالقوه به ذهن متبادر نشود. (ولادیمیر ناباکوف)

برای آنکه بتوانیم خوب بنویسیم باید آدمها و زندگیهایشان را بشناسیم باید دقیق و عمیق به پدیدهها و مسائل اطرافمان نگاه کنیم و عمیقاً دربارشان فکر کنیم. ما در مقام یک نویسنده زمانی قادر خواهیم بود، احساس زندگی را به خواننده آثارمان منتقل کنیم که ابتدا خودمان عمیقاً این احساس را تجربه کرده باشیم. در این راه هنر دیدن به ما بسیار کمک خواهد کرد. هنری که با صبری طولانی به دست میآید بواقع یک هنرمند، یک نویسنده میدانند که در هر چیز، جزئی کشف نشده و نادیده وجود دارد، اما ما چشمان خود را عادت داده ایم تا تنها چیزهایی را ببینیم که دیگران پیش از ما دیده اند ولی یک نویسنده به خوبی میدانند که در فرد یا شیء یا پدیده‌های چیزی نهفته است که آن فرد یا آن شیء را از افراد یا اشیاء دیگر متمایز میکند او باید به دنبال این نظم های مخفی این جزءهای نهفته برود حقیقت اینست که اکثر انسان ها در اغلب لحظات به علت غرق شدن در عادت ها فرورفتن در خود خواهی ها و یا سرد شدن در بیتفاوت های تنها روی خود توجه و تمرکز دارند تا اشیاء و موجودات اطرافشان و تنها در بعضی لحظات کوتاه ناب شاعرانه و معنویت که میتوانند هستی و وجود را حس کنند بنابراین پیشنهاد میکنم روی هنر دیدن تمرین کنید یعنی باید سعی کنیم حساسیت ها را بالا ببریم و توانایی جذب و گرفتن همه امواجی را که از آدمها روابط و موقعیت هایشان منتشر میشود را کسب کنیم توجه داشته باشیم که این حساسیتها با احساساتی بودن به شدت فرق دارد احساساتی بودن یعنی خود را به دست احساسات سپردن یعنی در احساسات فرو رفتن و غرق شدن در سالهای تدریس به دفعات بسیاری از هنر جویان پرسیدهاوند که چرا هر چه مینویسند مفهومی ندارد چرا شخصیتهای آثارشان عمیق نیست و یا خط طرح داستان فاقد منطق است و نتیجتاً نویسنده شدنشان دارد به رویایی واهی تبدیل میشود خب این دوستان باید ابتدا با توجه مطالعه و تجربه خود را به خوب دیدن مسلح کنند آنها باید بیش از هر چیز یک بیننده دقیق باشند تا متوجه مسائلی شوند که مخاطبان آثارشان هنوز متوجه آن نشدهاند و یا بر روی آنها توجه و دقت کافی ذکر کردهاند واقعیت این است که دنیا و موجوداتش در چشم نویسندگان صاحب نبوغ به همان شکلهای معمول سنتی نیست که دیده میشود بلکه مجموعه ای از غافلگیری های منحصر بفرد است که نویسندگان متبحر آموختهاوند که آنها را به روش خاص خودشان ببینند و بر کاغذ بیاورند پس بهتر است قبل از نوشتن ابتدا یاد بگیریم که چگونه میتوان خوب، دقیق و عمیق ببینیم. (سپنتامهر، ۱۳۸۹)

زاویه دید (نظرگاه)

زاویه دید یا نظرگاه به منظری گفته می‌شود که رویدادهای داستان از آنجا دیده می‌شود و یا می‌توان گفت به روایتگری اطلاق می‌گردد که نویسنده به یاری او داستان خود را برای خواننده با می‌گوید. (سپنتامهر، ۱۳۸۹)

مهارت سوژه یابی در نویسندگی

هدف از نوشتن، انتقال اندیشه یا احساس به خواننده است. اندیشه واحساسی که نویسنده آن را دریافته وفکر می کند لازم است دیگران نیز آن را دریابند. آن که مضمونی بدیع وتازه ای در ذهن ندارد، نویسنده نیست وأن که ذهنش توان آفریدن معنای تازه رادارداماهر خوب بیان کردن ونوشتن راندارد، نیزنویسنده نیست. پس نویسنده کسی است که ذهن خلاق وآفریننده دارد ومی تواند زیباترین جامه ی بیان رابرقامت اندیشه هایش بیوشاند وبه دیگران عرضه کند.

عناصر اصلی نویسندگی، خوب دیدن وخوب شنیدن، خوب فکرکردن وخوب بیان کردن است. باخوب دیدن وخوب شنیدن، سوژه وموضوع به دست می آید. باندیشه ی درست، استخوان بندی اجزای مطلب درست می شود وأن گاه نوبت به زیبایی های بیانی می رسد. پس ماز موضوع یا سوژه شروع می کنیم:

موضوع یا سوژه

سوژه همان اندیشه اولیه و نطفه آغازین است. جرقه ی در ذهن نویسنده که حالت کشف و الهام دارد؛ به عبارت دیگر موضوع، همان رشته ای است که از آغاز تا پایان نوشته حضور دارد و امتداد می یابد. دیگر عناصر و مصالح نوشته مانند دانه های تسبیحی هستند که در این رشته کشیده می شوند تا نتیجه نهایی مورد نظر نویسنده به دست بیاید. در واقع موضوع، جمله ای است که چکیده تمام مقاله است و مقاله، بسط و گسترش یافته ی همان جمله است. چنان که یک جمله می تواند توضیح و شرح یک کلمه باشد. مثلاً کلمه ی «آوارگی» موضوع مقاله شماس است. شما پیرامون آن چندین صفحه اظهار نظر و استدلال می کنید. می توان چکیده مقاله شمارا در یک جمله بیان کرد و گفت: آوارگی چنین پیامد های منفی یا مثبت دارد. (شجاعی، ۱۳۸۹).

یافتن سوژه

یافتن موضوع بکرومناسب از دغدغه های همیشگی نویسنده گان و هنرمندان است. نویسنده حرفه ای کار خود را با یافتن موضوع مورد علاقه ی خود آغاز می کند. برای یافتن موضوع یا سوژه باید ذهن حساس و تأثیر پذیر و همیشه فعال داشته باشیم. با داشتن ذهن تربیت یافته و خلاق، همیشه می توانیم موضوعات بکرو جذاب را به دست آوریم. می توانیم از هر حادثه ای برای پیدا کردن سوژه های تازه استفاده کنیم. پس بگذارید هر روز برای شما آبتن الهام، اندیشه و تخیلات تازه و جالب باشد.

ذهن نویسنده باید همیشه آماده دریافت موضوعات جدید باشد. آدم های زیادی بر لب جوی نشسته اند و عبور آب جاری را تماشا کرده اند اما تنها حافظ به کشفی رسیده است:

بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین کین اشارت ز جهان گذران مارا بس

چه کسی از ما افتادن میوه های رسیده، از درخت را تماشا نکرده است؟ این ذهن آماده و خلاق نیوتن بود که از افتادن یک سیب از درخت، قانون جاذبه ی زمین را کشف کرد.

نویسنده باید همیشه و همه جا نویسنده باشد. با دید دقیق و چشمان تیز به جامعه، طبیعت و هستی و... خیره شود. اندیشه های آنی و فراآر را در دفترچه ای به بند بکشد. و در زمان مناسب از آن ها استفاده کند.

در اطراف ما موضوعات بسیاری برای نوشتن وجود دارد. ذهن ما معمولاً آماده ی پذیرش آن ها نیست. وقتی ذهن به چیزی عادت کرد در واقع دیگر آن چیز را نمی بیند. برای همین است که خاطرات و چشم دید های کودکی ما تا آخر عمرمان فراموش نمی شوند. چون آن ها را بار اول می بینیم و هنوز به آن ها عادت نکرده ایم. در جای که سال ها زندگی کرده ایم هیچ چیز جدیدی به چشم ما نمی آید. مولانا خوب این مضمون را بیان کرده است:

آب کم جو، تشنگی آور به دست تاببارد آبت از بالا و پست

هنر، یعنی دیدن چیزهای تازه. چنان که برخی از صاحب نظران هنر را چنین تعریف کرده اند: «هنر، دیدن چیزهای است که دیگران نمی بینند و سپس بیان آن ها به شکلی که دیگران هم بتوانند آن چیزها را ببینند». برای یافتن سوژه های تازه باید:

-برداشت ها، تعریف ها و ذهنیت خودمان رانسبت به هستی و زندگی تغییربدهیم. زندگی وهستی آن چیزی نیست که ما به درک و دیدن و دریافت آن عادت کرده ایم.

- اندوختن تجربه های زندگی. دوگروه ازانسان ها زندگی را به درستی درک نمی کنند؛ یکی کسانی که اززندگی فاصله می گیرند ودرکناروگوشه های زندگی عمر می گذرانند. آن ها به تنهایی وانزوا پناه می برند. دیگری انسان های که درمتن زندگی غرق می شوند. آن ها ازفهم ودرک معنای زندگی عاجز می مانند؛ زیرا نمی دانند که چکارمی کنند.

کسی می تواند اززندگی، تجربه ذخیره کند که بادیگران ومانند دیگران زندگی کند ودرعین حال درآن غرق نشود. هرچند گاهی لازم است اززندگی فاصله بگیرد وبه تماشا ومطالعه آن بپردازد. زندگی آگاهانه، عمیق وکیفی می تواند برای شما تجربه های ارزشمندی به ارمغان بیاورد. جماعت گرایی وخلوت گزینی هر دو برای نویسنده لازم است، به این شرط که هر دو آگاهانه باشد. این شعرسهراب سپهری را شاید شما نیز خوانده باشید: من نمی دانم که چرامی گویند اسب حیوان نجیبی استو کبوتر زیباستو چرا در قفس هیچ کس کرکس نیست؟ گل شبدرچه کم ازلاله قرمز دارد؟ چشم ها را باید شست، جوردیگر باید دید...

-مطالعه ی کتاب های جدید، ارتباط بادوستان تازه، خصوصا باافراد باتجربه وسردوگرم چشیده برای نویسنده بسیارمفید ولازم است.

خواندن دائم ونوشتن همیشگی وبرنامه ریزی شده می تواند استعداد نویسنده رادرجنبه های مختلف تعالی ببخشد. اماآکیدبرخواندن ونوشتن با برنامه وکیفی وحرفه ای می باشد.

مناسب ترین منبع برای یافتن موضوع، زندگی اجتماعی است که هر روز پذیرای فراز و فرود های بسیاری است. ازتجربه های تلخ و شیرین خود و دیگران درزندگی، واندیشه هاواحاساسات خویش برای یافتن موضوع مناسب می توانیم یاری بگیریم. (شجاعی، ۱۳۸۹).

ویژگی های یک سوژه خوب

اکنون خصوصیات یک سوژه یاموضوع خوب رافهرست می کنم:

-ساده وروشن باشد و به قول معروف

-جامعیت ومانعیت داشته باشد.

مطلب ازنقطه ایآغاز شود که دروازه موضوع باشد. مطالب خارج ازموضوع نباید واردموضوع شود. حدودمرزمشخص وتعریف شده ای داشته باشد. وبه روشنی ازموضوعات مشابه خودش جداگردد. سوژه باید قابل گسترش باشد. نویسنده بتواندآن رابسط وگسترش بدهد.

-تازه وبکر باشد. نویسنده باید به زندگی چون رود خانه ای پایان ناپذیرنگاه کند. رودخانه ای که ازعمق زمین می جوشد وهمیشه تازه است؛ و هرگزکسی نمی تواند درآن دوبار شناکند. به گفته ی بزرگمهر: همه چیزرا همگان دانند وهمگان هنوز از مادر زایده نشده اند. باید به هرچیزی بااین نظرنگاه کنیم که درآن چیز، جنبه ای تازه وبیان ناشده ای وجودداردکه ما باید آن را کشف کنیم.

از طرفی امروزه سوژه‌ی که کاملاً بکر باشد کم پیدا می‌شود. هر موضوعی را که شما پیدا کنید، آن را دیگران پیش از شما کار کرده‌اند. باکی نیست. اگر مابه‌آن موضوع بادیید تازه بنگریم و زاویه‌ی دید ما نباشد و نیز آن را بپرداخت تازه و بیان نوارائه بدهیم در واقع موضوع تازه‌ای را به خواننده و مخاطب خودمان ارائه داده‌ایم. در این صورت مقاله‌ی ماتازگی و جذابیت یک سوژه تازه را برای خواننده خواهد داشت.

-سوژه باید در حیطه آگاهی و دانش نویسنده باشد.

نویسنده آن را در ذهن خود، حلاجی کرده و از مسیر احساسی آن عبور کرده باشد. داشتن اطلاعات لازم و کافی و تسلط بر موضوع از شرایط یک سوژه خوب و قابل گسترش است. معلومات درباره سابقه موضوع و کارهای دیگری که درباره آن موضوع انجام گرفته است، به نویسنده کمک می‌کند تا درباره موضوع، زاویه جدیدی پیدا کند و مطالب دیگران را تکرار نکند. (حسن پور، ۱۳۹۳)

-سوژه باید مورد توجه و علاقه‌ی خواننده قرار بگیرد و در ارتباط با ابعاد روحی و روانی انسان باشد.

خواننده بتواند به راحتی با موضوع ارتباط فکری و عاطفی برقرار کند. اگر شما یک سوژه مرده را انتخاب کنید، سوژه‌ای که به یکی از گرفتاری‌های زمانه‌ی ما و پاهم‌نوعان ما ارتباط پیدا نمی‌کند و پابه هرنحوی چیزی به خواننده نمی‌آموزد که به کارزندگی او بخورد، البته که مورد استقبال خواننده قرار نخواهد گرفت. هم چنین است اگر سوژه شما به مسائل خصوصی و شخصی افراد یا گروه‌های خاص مربوط باشد و دایره‌ی تنگ و محدودی را دربر بگیرد، مخاطبان اندکی خواهد داشت. هرچه موضوع عام‌تر و انسانی‌تر باشد، خوانندگان بیشتری مایل به خواندن آن خواهند شد.

-سوژه باید که باورپذیر باشد. نویسنده بتواند با استدلال و دادن نظم معقول، آن را برای خواننده قابل قبول سازد.

-سوژه باید که مورد علاقه نویسنده نیز باشد و تأثیر فکری و عاطفی بر خود او گذاشته باشد. مادام که سوژه بر خود نویسنده تأثیر نکرده باشد، نمی‌تواند نوشته‌ی پر شور، دل‌نشین، احساس برانگیز و تأثیرگذار بوجود بیاورد؛ زیرا نویسنده در کار خود تلاش می‌کند تا چیزی را از اندیشه و احساس خود برای خواننده انتقال دهد. چنان چه خود او آن مضمون را نچشیده باشد و از آن تأثیر نپذیرفته باشد، نمی‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد. در این صورت نوشته حالت مکانیکی و خشک و بی‌روح پیدا می‌کند (شجاعی، ۱۳۸۹).

خلاصه نویسی اولین گام نویسنده‌گی

به طور کلی خلاصه نویسی و یادداشت برداری به چهار دلیل پیشنهاد می‌شود: اول اینکه هنگام مطالعه و دقیق خوانی از اصول مهم به شمار می‌آید و در عمیق‌تر کردن یادگیری مؤثر است. دوم حجم و زمان مرور کمتر شده و امکان مرورهای چندین باره را به شکلی سریع فراهم می‌کند و سوم اگر به شیوه‌ای صحیح انجام گیرد به هنگام مرور بهتر و مؤثر از خود مطلب مفید واقع می‌شود و چهارم این امکان را فراهم می‌کند که تمام مطالب و مباحث مرتبط با یک موضوع را که در کتاب درسی، جزوه، کتاب کمک آموزشی و هر منبع دیگری پراکنده باشد را در یک جا جمع‌آوری کرده و از پراکنده خوانی جلوگیری نمود.

ابزار کار

خلاصه نویسی علاوه بر ابزارهای رایجی که هنگام مطالعه دارید تنها یک ابزار مجزا لازم دارد و آنهم دفترچه یادداشت می‌باشد. از خلاصه نویسی در برگه‌های پراکنده و بدون صحافی خودداری نمایید چرا که با گذر زمان حجم یادداشت‌ها افزایش خواهد یافت و ترتیب آنها به هم خواهد خورد که یافتن و مرتب نمودن آنها زمان و انرژی زیادی می‌طلبد و کاری خسته کننده است. می‌توانید از یک سر رسید قدیمی یا دفترچه یادداشت با اندازه مناسب برای این منظور استفاده کنید. (انوری و گیوی، ۱۳۸۵)

روش های مختلف

آنچه که ما با عنوان کلی خلاصه نویسی از آن یاد می کنیم، شامل فنون مختلف یادداشت برداری، حاشیه نویسی، خط کشی زیر جملات، دسته بندی و علامت گذاری می شود که در ادامه به توضیح در مورد آنها کدام خواهیم پرداخت. به طور کلی خلاصه نویسی و یادداشت برداری به چهار دلیل پیشنهاد می شود: اول اینکه هنگام مطالعه و دقیق خوانی از اصول مهم به شمار می آید و در عمیق تر کردن یادگیری مؤثر است. دوم حجم و زمان مرور کمتر شده و امکان مرورهای چندین باره را به شکلی سریع فراهم می کند و سوم اگر به شیوه ای صحیح انجام گیرد به هنگام مرور بهتر و مؤثر از خود مطلب مفید واقع می شود و چهارم این امکان را فراهم می کند که تمام مطالب و مباحث مرتبط با یک موضوع را که در کتاب درسی، جزوه، کتاب کمک آموزشی و هر منبع دیگری پراکنده باشد را در یک جا جمع آوری کرده و از پراکنده خوانی جلوگیری نمود. (عبادی، ۱۳۹۴)

علامت گذاری و خط کشی زیر جملات

همانطور که در شماره قبل خواندید بهترین فن مطالعه درگیر شدن با مطلب یا به اصلاح مطالعه فعال می باشد. علامت گذاری سریع ترین روش برای مطالعه فعال بوده و البته نکات مهم را نیز مشخص می کند. زمانی که مطلبی را مطالعه می کنید جایی که برایتان سؤال باقی می ماند و مطلب را کامل متوجه نمی شوید از علامت سؤال (؟) استفاده نمائید و کنار آن مطلب علامت بزنید. هر جا احساس نمودید منطقه سؤال خیز بوده و به نکته خطرناکی اشاره شده است علامت خطر (!) و جایی که به یک کلمه یا عبارت کلیدی برخوردید دور آن خط بکشید، پاراگراف های مهم را با علامت ضربدر (*) مشخص کنید. به طور کلی هنگام مطالعه استفاده از علامت گذاری سرآغاز خوبی برای مطالعه دقیق و فعال می باشد. فراموشی نکنید که این کار را با مداد انجام دهید چرا که ممکن است با پیشروی در مطالعه تان متوجه شوید علامت قبلی اشتباه بوده و نیاز به تغییر داشته باشد. دقت داشته باشید که شلوغ کاری نکنید در استفاده از علامت ها و انتخاب جملاتی که خط کشی می شوند زیاده روی نکنید چرا که در مطالعه های آتی حوصله تان سر می رود. (انوری و گیوی، ۱۳۸۵)

حاشیه نویسی

هر مطلبی که نوشته می شود با هدف انتقال یک سری مطالب جدید و مهم به مخاطب می باشد و برای اینکه این انتقال به نحوی مطلوب و ماندگار صورت پذیرد شرح و بسط و مثال و داستان هایی به آن مطلب جدید و اصلی اضافه می شود. به عنوان مثال ساختار یک پاراگراف برای توضیح یک جمله کلیدی است که به طور معمول اولین یا آخرین جمله آن پاراگراف را تشکیل می دهد. دومین قدم در راه خلاصه نویسی این است که کلیدی ترین جمله هر پاراگراف را استخراج کرده به زبان خودتان در حاشیه کتاب یا جزوه یادداشت کنید. در پایان هر پاراگراف از خودتان بپرسید این پاراگراف قصد داشت چه مطلبی را به من بیاموزد و آن را در یک جمله و با زبان خودتان، نه کتابی بیان کرده و یادداشت نمایید. به علاوه می توانید سؤال، انتقاد و یا هر مطلب دیگری را که مربوط به همان موضوع باشد و در جای دیگری خوانده اید را حاشیه نویسی کنید. این فرآیند به تمرکز فکر، دقت، حفظ و یادگیری بهتر کمک می کند. (عبادی، ۱۳۹۴)

یادداشت برداری

اصلی ترین نوع خلاصه نویسی یادداشت برداری می باشد که عبارت است از برداشت کلیدی ترین مفاهیم هر مطلب و ثبت آن در دفترچه ای جداگانه به شیوه ای خاص که در مرورهای آتی کارایی داشته باشد. (انوری و گیوی، ۱۳۸۵)

دو ویژگی

هر برگه یادداشت برداری شده باید دارای دو ویژگی مهم باشد. اول اینکه باید خلاصه و کلیدی باشد. یعنی آنچه که یادداشت می کنید باید حجمی بسیار کمتر از آنچه که در متن اصلی موجود است داشته باشد. عده ای هر خط متن را مهم تلقی می کنند و همه را یادداشت می کنند این کار هیچ خاصیتی ندارد و از فوایدی که برای خلاصه نویسی برشمردیم بهره ای نخواهد

داشت. دومین ویژگی یادداشت برداری تداعی‌گر بودن یادداشت هاست یعنی همه آنچه را که پاراگراف و متن قصد انتقال آن را داشت به شما انتقال داده و یادآوری می‌نماید. به بیان ساده یادداشت‌ها باید مفید اما مختصر باشند.

بهترین روش در خلاصه نویسی

بهترین روش برای یادداشت برداری آن چیزی است که به نام «درخت حافظه»، «شبکه مغزی»، «طرح سازمانی» و «نقشه ذهنی» می‌نامند. طرح شبکه مغزی یا نقشه‌ذهنی که برای اولین بار توسط «تونی بوزان» معرفی گردید از ساختاری شبیه شبکه‌های مغزی برخوردار بوده و در به خاطر سپاری مطالب کمک فراوانی می‌کند. بدیهی است این روش بیشتر برای مطالبی که قابل سازمان دهی می‌باشند مثل انواع آرایه‌های ادبی، صیغه‌های فعل، روش رفع ابهام و ... کاربرد بسیار بالایی دارد.

روش کار نیز به این شکل است که «تذ اصلی» یعنی همان مهمترین و کلیدی ترین نکته کل متن را به شکل افقی در وسط کاغذ نوشته و با شاخه‌های مختلف «نکات اصلی» را به آن متصل می‌کنیم و هر نکته اصلی می‌تواند خود به چندین نکته فرعی و جزئی متصل گردد.

بهترین روش برای یادداشت برداری آن چیزی است که به نام «درخت حافظه»، «شبکه مغزی»، «طرح سازمانی» و «نقشه ذهنی» می‌نامند. طرح شبکه مغزی یا نقشه‌ذهنی که برای اولین بار توسط «تونی بوزان» معرفی گردید از ساختاری شبیه شبکه‌های مغزی برخوردار بوده و در به خاطر سپاری مطالب کمک فراوانی می‌کند. بدیهی است این روش بیشتر برای مطالبی که قابل سازمان دهی می‌باشند مثل انواع آرایه‌های ادبی، صیغه‌های فعل، روش رفع ابهام و ... کاربرد بسیار بالایی دارد. (باقری، ۱۳۸۸)

دسته بندی

یکی دیگر روش‌های مهم خلاصه نویسی «دسته‌بندی» است. این روش برای مباحثی که شامل دسته‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلف می‌باشند بسیار مفید است مانند تاریخ ادبیات و یا احادیث درس دین و زندگی. روش کار نیز به این صورت است که مطالب مختلفی که بتوان در یک دسته قرار داد را یک جا نوشته و دسته‌بندی می‌شوند. به عنوان مثال می‌شود شاعران را بر حسب قرن و یا احادیث را بر اساس اشخاص دسته‌بندی نمود.

تاریخ یادداشت برداری

آخرین نکته مهمی که در خلاصه نویسی باید اجرا نماییم این است که تاریخ یادداشت برداری را در گوشه برگه یادداشت نمایید تا زمان‌های خاص مرور سر درگم نشوید. (غفوری فرد، ۱۳۹۰)

منابع

۱. آکادمی تفکر (۱۳۹۱) نمونه‌هایی از سوال‌های پایه در حل مسئله.
۲. استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی). ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۳. بیبی، ارل (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. انتشارات سمت. تهران.
۴. بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. انتشارات نی، تهران.
۵. بیکر، ترز. ال (۱۳۸۸) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نائی. نشر نی. تهران.
۶. جرج پولیا (۱۳۸۸)، هنر حل مساله. ترجمه احمد ارام
۷. جیمز هیگینز (۱۳۸۵)، کتاب ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، (راهنمای اندیشه نو برای کسب و کار)، ترجمه: محمود احمدپور داریانی .

۸. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷) مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
۹. حبیبی، آرش (۱۳۸۶) آموزش کاربردی SPSS نشر الکترونیک پایگاه پارس‌مدیر.
۱۰. حسن زاده، رمضان (۱۳۸۹) روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر ساوالان.
۱۱. دفتر سنجش فرهنگی (۱۳۸۶) شاخص‌های فرهنگ عمومی، نشر دبیرخانه شورای فرهنگ
۱۲. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۵) تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. انتشارات شرکت سهامی انتشار تهران.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۸۸) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ۳ جلد. جلد اول و دوم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۱۴. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۲) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه تهران.
۱۵. سنگری، محمد رضا و... (۱۳۸۳)، طراحی آموزشی فارسی اول دبستان (بخوانیم و بنویسیم)، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۶. سیف، علی اکبر (۱۳۷۹)، روان شناسی پرورشی، موسسه انتشارات آگه.
۱۷. شعبانی، حسن (۱۳۸۲)، مهارتهای آموزشی روشها و فنون تدریس، تهران، سمت.
۱۸. صفوی، امان الله (۱۳۸۵)، کلیات روشها و فنون تدریس، انتشارات سمت.
۱۹. عمومی. دواس، دی. ای (۱۳۸۷) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نائی. نشر نی، تهران.
۲۰. قاسم زاده، حسن (۱۳۸۹). حل خلاق مسئله.
۲۱. گلستان هاشمی (۱۳۸۹)، حل مسئله. فصلنامه علوم خلاقیت شناسی و حل مسئله ابداعی.
۲۲. میرزا محمدی، محمد حسن (۱۳۸۳)، کتاب ارشد، تهران، پوران پژوهش.
۲۳. محمدپور، احمد (۱۳۸۸) روش در روش، انتشارات جامعه شناسان، تهران.

Investigating the Importance of Writing Skills for Students

Ghasem Ghasemi Fard¹, Ahmad Ghasemi Fard², Sara Ebrahimi Kharkashi³, Fatemeh Babaei⁴

1. *Master of Educational Planning, Islamic Azad University, Sari Branch - Neka Education Secretary*
2. *Primary Education Expert, Farhangian University of Sari - Neka Education Secretary*
3. *Educational Affairs Expert, Farhangian University of Sari - Neka Education Secretary*
4. *Primary Education Expert, Farhangian University of Ghaemshahr - Neka Education Secretary*

Abstract

Without a doubt, writing is one of the skills you need in life. It's like writing a letter, a resume, a blog post, a card, a book, an email, a message, a sales report, or anything that needs to communicate thoughts and ideas. Writing and reading are two important acquired skills in life. A good writer can do almost anything. The purpose of the researchers in this article is to "investigate writing skills for learners." Examples include: writing, reading literary masterpieces, and writing skills are important writing points.

Keywords: Skills, Writing, Students
